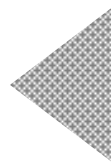


ارزیابی عملکرد بانک‌های دچار ورشکستگی طی بحران مالی جهانی



سمیه شکروی^۱

هاجر مرادیان^۲

(تاریخ دریافت ۸۸/۶/۱۰ - تاریخ تصویب ۸۸/۸/۲۰)

چکیده

بحران مالی جهانی اخیر با ابعاد وسیع اثرگذاری، موجب گردید که مطالعه علل آن، مورد توجه خاص محافل علمی قرار گیرد. در نگاه کلی، عدم توجه به قواعد بازی جهانی و شناخت نادرست سیاستگذاران از نظام بازار، بر عملکرد اقتصاد جهانی و وقوع بحران تأثیر داشته است و ریشه‌یابی و شناسایی علل بروز آن مطمئناً نقش حیاتی در جلوگیری از وقوع دوباره و مدیریت آن دارد. از این رو این مقاله، با هدف شناسایی عوامل ایجادکننده بحران، ابتدا به بررسی روند شکل‌گیری آن می‌پردازد. تأثیر بی‌ثباتی و کاهش کیفیت دارایی بانک‌ها در گسترش بحران، از دیگر موارد مورد توجه در ریشه‌یابی بحران است که منجر به ورشکستگی بانک‌های مختلف گردید. تحلیل این موضوع، از طریق بررسی عملکرد چند بانک نمونه و بررسی شاخص‌هایی نظیر مطالبات معوق و هزینه مترتب بر آن انجام می‌گیرد. در پایان نیز راهکارهایی به منظور مقابله با بحران پیشنهاد می‌گردد.

واژگان کلیدی: بحران مالی، عملکرد بانک‌ها، مطالبات معوق.

۱- دانشجوی دکتری علوم اقتصادی دانشگاه آزاد اسلامی و مدرس دانشگاه آزاد اسلامی، Somayeh_shokravi@yahoo.com

۲- کارشناسی ارشد علوم اقتصادی و مدرس دانشگاه آزاد اسلامی و پیام نور، Zohreh.moradian@yahoo.com

۱- مقدمه

بررسی تاریخچه بحران‌های مالی^۱ دنیا نشان می‌دهد، بحران مالی جهانی اخیر از نظر ابعاد، بزرگترین بحران مالی جهانی طی هفتاد سال گذشته است. از این رو ریشه‌یابی علل و نحوه شکل‌گیری بحران اخیر از اهمیت فراوانی برخوردار است. اولین و مهمترین هدف این ریشه‌یابی، اتخاذ تجارب و تعدیل آثار آن به شمار می‌رود، اما آثار بحران مالی بر تمامی جوامع را می‌توان به چرخه‌ای تشبیه نمود که در وهله اول از طریق دولت بر مؤسسات مالی و سپس از طریق این مؤسسات بر جامعه تأثیرگذار خواهد بود.

در این راستا یکی از موضوعات مهم، بررسی عملکرد بانک‌ها طی بحران به عنوان یکی از جوانب ریشه‌یابی شکل‌گیری آن است. از این رو، به منظور بررسی تأثیر بحران مالی جهانی بر عملکرد بانک‌ها و مؤسسات مالی - به عنوان واسطه اصلی گسترش بحران - به ارایه عملکرد چند بانک که با بروز بحران ورشکسته شدند، پرداخته خواهد شد. در این راستا شاخص‌های سود قبل از مالیات^۲، رشد حجم ترازنامه^۳، رشد تسهیلات^۴، رشد سپرده^۵ و نسبت تسهیلات به سپرده^۶، جهت نمایش وضعیت کلی بانک‌ها بطور عام از ترازنامه و صورت‌های هزینه درآمد آن‌ها، استخراج و محاسبه می‌گردد. در ادامه دو شاخص رشد هزینه^۷ و نسبت هزینه به درآمد^۸ با و بدون در نظر گرفتن هزینه فزاینده مطالبات مشکوک‌الوصول بطور قیاسی ارایه می‌گردد. در نهایت راهکارهایی جهت مواجهه با بحران معرفی می‌گردد.

۲- پیشینه تحقیق

بررسی پیرامون بحران مالی اخیر، موضوع نسبتاً جدیدی می‌باشد. در این راستا عمده مطالعات انجام گرفته، دلایل ایجاد بحران‌ها را به واسطه ساختار نامناسب اقتصادی کشور، یا منطقه‌ای که

۱- Financial Crises

۲- Profit before Tax

۳- Balance Sheet Growth

۴- Loan Growth

۵- Deposits Growth

۶- Loan to Deposits

۷- Cost Growth

۸- Cost to Income

بحران از آن آغاز شد، به ویژه در برخی مؤلفه‌ها مانند کسری مزن و بلندمدت تراز پرداخت‌ها، کسری بودجه بلندمدت دولت‌ها، بازار سرمایه ناکارا و غیرشفاف بیان می‌دارند. همچنین برخی نظریات، اثر متغیرهای برون‌زای خارج از اقتصاد را که به سبب بازارهای مالی متشکل و ادغام شده، بحران را از کشور بحران‌زده به کشورهای دیگر سرایت می‌دهند، در ایجاد بحران برای کشورها و تشدید بحران‌ها مؤثر می‌دانند. هر دو گروه عوامل، بر اهمیت ساختار مالی و اقتصادی کشورها و اثر آن بر تخفیف یا تشدید بحران‌ها اتفاق نظر دارند (دقیقی‌اصل، فهمی‌فر و صیامی، ۱۳۸۸).

برخی دیگر از تحقیقات با هدف ریشه‌یابی بحران‌های مالی، به این موضوع پرداخته است که آیا آزادسازی مالی، ابزار مناسبی برای مواجهه با بحران‌های مالی بوده است؟ نتایج تجربی به دست آمده نشان می‌دهند فرآیند شکل‌گیری آزادسازی مالی در کشورهای مختلف که در نتیجه تعدیل و کنترل سرمایه بوده است، نه تنها تأثیر معنی‌داری بر ایجاد بحران‌های اخیر نداشته است، بلکه به لحاظ معنی‌دار نبودن ضرایب آن در مدل، به عنوان ابزار کارآمد کنترل بحران نیز محسوب نمی‌شود (طیبی و دیگران، ۱۳۸۸).

تحقیق دیگری، عدم توجه سیاستگذاران به سرشت بازارهای مالی و تأثیرپذیری عمیق ترانزنامه نهادهای مالی از تحولات بازار دارایی‌های واقعی (به خصوص مسکن) را از مهمترین نکات قابل توجه در بحران اخیر می‌داند. سیاستگذار با فرض آنکه افزایش نرخ بهره در بازار بین بانکی نشانه کمبود نقدینگی در بازار است، به تزریق نقدینگی، در مقیاس بسیار زیاد و به شکل غیرهدفمند پرداخت. سردرگمی سیاستگذار در عدم تشخیص صحیح مسأله به بی‌ثباتی بازار افزود و افزایش ریسک نهادهای مالی را از سطح خرد به سطح کلان اقتصاد، تعمیم داد (نیلی و محمدی، ۱۳۸۸).

در خصوص نقش بانک‌ها در بحران‌های مالی، تحقیقات اندکی صورت گرفته و در یکی از این بررسی‌ها، بانک‌ها به عنوان وزنه با اهمیت در نظام مالی کشورها تلقی شده که به دلیل ویژگی‌های خاص خود، همواره مستعد دریافت بی‌ثباتی و ریسک‌ها و در درجات بالاتر بحران‌ها می‌باشند. به طور کلی درجه اهرمی بالا و کم بودن سرمایه بانک‌ها در تناسب با حجم ترانزنامه‌های آن‌ها در مقایسه با سایر شرکت‌های تجاری، عدم تناسب زمانی سررسید بین دارایی‌ها و بدهی‌ها، لزوم حفظ اعتماد دائمی سپرده‌گذاران، ابتلا به ریسک‌های متنوعی از جمله ریسک نرخ ارز و عدم وجود شفافیت قطعی در صورت‌های مالی منتشره، به دلیل سرعت بالای تغییر در اقلام ترانزنامه‌ای در مقایسه با شرکت‌های تجاری و تولیدی؛ از مواردی می‌باشند که

بانک‌ها را به عنوان یکی از مراجع بروز بحران‌ها در اقتصاد شناسانده است (نوری، مدنی اصفهانی و قادری، ۱۳۸۸).

در انواع دیگری از تحقیقات علاوه بر موضوع ریشه‌یابی، بر راهکارهای مقابله با بحران، تأکید ویژه‌ای شده است. به عنوان مثال تبدیل به اوراق بهادار کردن ریسک به عنوان راهی برای کاهش اثرات بحران‌های مالی بر مؤسسات مالی ذکر گردیده است. یکی از ابزارهای کارآمد و مؤثر جدید برای حل این مشکل، ارتباط مستقیم بین صنعت بیمه و بازار سرمایه تحت عنوان «تبدیل به اوراق بهادار کردن ریسک» می‌باشد. مهم‌ترین خصیصه اوراق بهادار مرتبط با بیمه، همبستگی پایین بازدهی آنها با بازدهی کل بازار سرمایه و پول است. بنابراین، ورود چنین اوراقی به پرتفوی سرمایه‌گذاری نهادهای مالی، می‌تواند ریسک سرمایه‌گذاری آنان را در بازار سرمایه و پول کاهش دهد (فلاح شمس، ناصرپوراسد، ۱۳۸۸).

در مورد استقلال بانک مرکزی و ثبات مالی، نظرات مختلفی وجود دارد؛ به همین منظور طی پژوهشی عملی، رابطه بین استقلال بانک مرکزی و ثبات‌های مالی در ایران، برای دوره زمانی ۸۴ - ۱۳۵۲ بررسی شده است که بی‌ثباتی مالی با استفاده از شاخص ساختاری اندازه‌گیری شده و همچنین از متغیرهای دیگری نظیر: رشد اقتصادی، نرخ ارز و تورم استفاده شده است. همچنین از آزمون UECM^۱ و Bounds Test برای بررسی وجود رابطه بلندمدت بین متغیرهای مدل استفاده شده است. نتیجه این تحقیق نشان می‌دهد که شاخص استقلال بانک مرکزی، اثر منفی بر روی بی‌ثباتی مالی می‌گذارد (پیرایی، ۱۳۸۸).

سیاست مطلوب نرخ بهره در مقابله با بحران‌های مالی، با تأکید بر نقش نظارتی بانک مرکزی در ثبات سیستم مالی از دیگر تحقیقاتی است که تأکید بر ماهیت عملکرد نهادهای مالی کشور و ابزار نرخ بهره (سود) اشاره دارد و ضمن تبیین عوامل زمینه‌ساز بحران در سیستم مالی، به نقش بانک مرکزی از دو منظر وظایف پولی و وظایف نظارتی در بسترسازی زمینه برای کنترل بحران‌های مالی محتمل، توجه می‌نماید (شفیع‌زاده و دیباوند، ۱۳۸۸).

در بررسی دیگری، لزوم اجرای سیاست‌های پولی مبتنی بر بازار در راستای ثبات اقتصادی به عنوان راهکار اصلی ارایه می‌گردد و نتایج حاصله نشان می‌دهد که پدیده‌های سلطه مالی و

۱ - ILS

۲- دو آزمون اختصاصی اقتصادسنجی و آمار که برای برآوردهای آماری، روشی استاندارد محسوب می‌گردد.

سرکوب مالی، توانایی بانک مرکزی را برای رسیدن به اهداف عملیاتی و واسطه‌ای کاهش داده و نیاز به وجود ابزارهای نوین در بانکداری اسلامی و نیز تحول و آزادسازی سیستم بانکی و اصلاحات عملیات پولی احساس می‌شود (مهدی‌زاده، ۱۳۸۸).

در یک پژوهش نیز به چگونگی عکس‌العمل مناسب مقامات پولی در قبال تغییرات قیمت دارایی‌ها در ایران معطوف شده است. نتایج به دست آمده از مدل SVAR نشان می‌دهد که میزان اهمیت قیمت دارایی‌ها در نوسانات تولید ناخالص داخلی و سطح قیمت‌ها به ترتیب اهمیت، نرخ ارز، قیمت مسکن، قیمت سکه طلا و در نهایت قیمت سهام می‌باشد. رشد ثابت و از قبل اعلام شده عرضه پول همراه با نظام ارزی مدیریت شده از راهکارهای پیشنهادی در بررسی سیاست‌های مناسب پولی، برای تثبیت اقتصادی در ایران با تأکید بر قیمت دارایی‌ها است (محسنی زنوزی، ۱۳۸۸).

۳- نحوه شکل‌گیری بحران مالی جهانی

بررسی و کارشناسی بحران مالی سال ۲۰۰۸ میلادی نشان می‌دهد این بحران، ریشه در بازار وام مسکن دارد و وقوع آن در حقیقت از سپتامبر ۲۰۰۱ و با کاهش تصنعی نرخ بهره آغاز گردیده است.

بعد از حمله به برج‌های تجارت جهانی و به دلیل اینکه ناگهان شوک عظیمی (شوگ روانی و ناشی از عدم اطمینان به آینده) به بازارهای مالی وارد شده بود و ترس ناشی از رکودی که ممکن بود به دلیل عدم اطمینان از شرایط بازار ایجاد شود، دولت آمریکا و بانک مرکزی (فدرال رزرو) این کشور وارد عمل شدند و به کاهش نرخ بهره اقدام نمودند.

این نرخ که در سال ۲۰۰۰ میلادی بیش از ۹٪ بود در سال ۲۰۰۳ به ۴٪ (کمترین مقادیر خود در تاریخ آمریکا) کاهش یافت. این امر رشد اقتصادی آمریکا را از ۰/۷۶ درصد در سال ۲۰۰۱ به ۹۲/۳ درصد در سال ۲۰۰۴ میلادی افزایش داد (عزتی، ۱۳۸۸).

یکی از بزرگترین فرم‌های سرمایه‌گذاری در آمریکا، سرمایه‌گذاری در خرید و ساخت مسکن است. بنابراین بانک‌های تجاری با تکیه بر منابع ارزان قیمت فدرال رزرو، اعطای وام مسکن را به نحو بی‌سابقه‌ای افزایش دادند، به طوری که وام‌هایی با ریسک آشکار بالا به افراد کم‌درآمد یا حتی فاقد درآمد مطمئن، داده شد. در نتیجه تقاضا برای مسکن افزایش یافت و به تبع، افزایش

قیمت آن نیز موجب افزایش تقاضای سوداگرانه مسکن گردید. در پاسخ به این اتفاق، ساخت و ساز مسکن افزایش یافت؛ زیرا همزمان محدودیت بر خورداری ساخت و ساز مسکن از وام‌های اعطایی که عرضه را طی سال‌های آتی افزایش می‌داد، از بین رفته بود.

اما اعتباردهندگان، بدون توجه به این امر، نگران عدم بازپرداخت اقساط وام توسط خریدار خانه نبودند. زیرا اعتقاد بر این بود که اگر خریدار خانه به هر دلیل قادر به پرداخت اقساط نباشد، خانه را به قیمت بالاتر می‌فروشد و یا بانک خانه وی را تصاحب می‌کند، بنابراین بانک و مشتری هیچ یک ضرر نمی‌کردند. از این رو اینکه مشتری بانک با اعتبار باشد یا کم اعتبار، اهمیتی نداشت. به همین دلیل حتی افراد کم‌اعتباری که در شرایط عادی قادر به دریافت وام نبودند، قادر به دریافت وام شدند.

در پی افزایش اعطای وام خرید مسکن، قیمت مسکن طی سال‌های ۲۰۰۰ تا ۲۰۰۶ میلادی از ۶۰ تا ۸۰ درصد افزایش یافت (عزتی، ۱۳۸۸).

در پاسخ به این امر، ساخت و ساز به تدریج و به حدی افزایش یافت که در سال ۲۰۰۶ میلادی به تدریج عرضه بر تقاضا فزونی یافت. این مسأله، کاهش قیمت مسکن - که حجم عظیمی از سرمایه‌ها را به سوی خود جلب کرده بود - را نمایان ساخت.

ناتوانی برخی وام‌گیرندگان برای پرداخت اقساط وام مسکن، نقطه آغاز جریانی بود که به بحران مالی فعلی انجامید. در ادامه بانک‌ها با تملیک وثیقه‌های وام‌گیرندگان بد حساب و فروش آن‌ها، موجب تشدید کاهش قیمت مسکن شدند و این امر خود باعث شد که تعداد بیشتری از وام‌گیرندگان اقساط خود را نپردازند و بطور عمد تن به تملیک وثیقه‌های خود از سوی بانک دهند، چرا که با کاهش قیمت مسکن، وام‌های پیشین دیگر صرفه اقتصادی نداشتند. از طرف دیگر ارزش وثایق (مسکن) کمتر از ارزش وام گردید. نتیجه این وضعیت کاهش شدید توان مالی بانک‌ها، بی‌اعتمادی مردم به این نهادهای مالی و نیز افت شدید قیمت‌های سهام و مشتقات مالی جدیدی بود که بر مبنای وام‌های مسکن ایجاد شده بودند (طیبیان، ۱۳۸۷).

در آمریکا چند نوع مؤسسه مالی وجود دارد: بانک‌های سپرده‌گذاری، بانک‌های سرمایه‌گذاری و مؤسسات تضمینی و بیمه افراد. در بانک‌های سپرده‌گذاری، حساب‌های پس‌انداز افتتاح می‌گردد. با توجه به طولانی بودن بازگشت منابع، بانک‌های سپرده‌گذاری، این وام‌ها را به بانک‌های سرمایه‌گذاری می‌فروشند. بانک‌های سرمایه‌گذاری با خرید این وام‌ها و ایجاد

بسته‌های مالی جدید (مشتقات مالی)، آنها را در بورس می‌فروشند تا در اختیار متقاضیان قرار گیرند. از طرف دیگر مؤسسات تضمینی و بیمه‌ها، آن را در مقابل نوسانات نرخ بهره یا قیمت مسکن بیمه می‌کنند.

از این رو مهم‌ترین سیاست‌های افزایش اعتبار در بخش مالی که به شیوع بحران انجامید، عبارت بودند از:

- رفع محدودیت‌های انتشار اوراق مشتقه برای تأمین مالی بخش مسکن؛
 - ایجاد و حمایت از مؤسسات مالی فعال در زمینه تضمین وام مسکن و تبدیل به اوراق بهادار کننده وام‌های رهنی^۱ و عدم ایجاد محدودیت در این زمینه (عزتی، ۱۳۸۸).
- حال اگر انتظارات شهروندان این باشد که اقتصاد از رونق دور شده و به سمت رکود می‌رود و به دلایل مختلف قیمت دارایی مسکن تنزل می‌یابد، قیمت وام‌های بانک‌ها در سطحی پایین‌تر ارزش‌گذاری می‌شود. در این صورت ارزش دارایی شرکت‌های سرمایه‌گذاری که بسته وام‌های بانک‌ها را در بخش مسکن خریداری کرده‌اند نیز کاهش می‌یابد و در مرحله بعدی، ارزش اوراق منتشر شده توسط شرکت‌های سرمایه‌گذاری نیز که در اختیار و تملک بنگاه‌های اقتصادی و اشخاص حقیقی است نیز، افت می‌نماید. همراه این تنزل، ارزش دارایی‌های مشتقه نیز به صورت زنجیروار کاهش می‌یابد.
- ایجاد نگرانی سبب می‌شود که شرکت‌ها و افراد برای فروش دارایی‌ها هجوم ببرند که این کار، ارزش دارایی‌ها را بیشتر کاهش می‌دهد و ترازنامه سایر شرکت‌ها را نیز به خطر می‌اندازد. با افزایش نگرانی، این بحران‌ها تشدید و تعمیق شده و به شرکت‌هایی که حتی با مسأله مسکن نیز ارتباط نداشته‌اند، سرایت می‌کند. به این ترتیب مؤسسات بیمه نیز قادر به انجام وظایف خود نخواهند بود و تمامی شرایط به سمت ورشکستگی بانک‌ها و مؤسسات مالی و اعتباری، تغییر می‌نماید.

طبق برآوردهای انجام شده، ارزش قراردادهای منعقد شده بر روی انواع مشتقات مالی که در سال ۲۰۰۱ میلادی معادل ۱۰۰۰ میلیارد دلار بوده است، در سال ۲۰۰۶ به عدد خیره‌کننده ۳۵ هزار میلیارد دلار رسیده بود (طیبیان، ۱۳۸۷).

۱۰- مانند دو مؤسسه فانی می و فردی مک که با هم نیمی از وام‌های مسکن را صادر یا بر روی آن اوراق مشتقه صادر کرده بودند.

نکته قابل توجه آنکه حجم قابل توجهی از این دارایی‌ها در بازار مالی سایر کشورها به فروش رسید. بنابراین کاهش چند درصد ارزش این دارایی‌ها زیان‌های میلیارد دلاری در سطح جهان ایجاد می‌کند. به عبارت بهتر کاهش ارزش این دارایی‌ها در بازارهای سهام و تبعات ناشی از آن به همراه ارتباط تنگاتنگ بازارهای مالی در جهان، بحران ملی را به بحران جهانی تبدیل نمود و جریان ورشکستگی بانک‌ها مانند سایر نهادها و مؤسسات مالی بین‌المللی به وقوع پیوست.

اما در ریشه‌یابی تئوریکی بحران اخیر می‌توان گفت که در دوران رونق اقتصادی، ابتدا قیمت دارایی‌ها (نظیر مسکن) افزایش یافت و احساس خوش‌بینی و ریسک کم بر بازار غالب گردید. در این دوران، تأمین مالی خارجی ارزان‌تر شده و به راحتی در دسترس قرار گرفت. اگر چه این وقایع موتور محرک رونق و رشد تلقی گردیدند، اما چون از حد مطلوب تجاوز نمودند، عدم تعادل‌هایی را در بخش مالی به همراه داشت، هر چند که شرایط مطلوب رونق ممکن است تبعات منفی این عدم تعادل را چندان زیان‌بار نشان ندهد. عدم تعادل‌های مالی، بخش واقعی اقتصاد را از حالت تعادل پایدار خارج نمود. این عدم تعادل بیشتر به واسطه سرمایه‌گذاری‌های فزاینده در بخش‌هایی (نظیر مسکن) بود که بیشتر تحت تأثیر وضعیت مطلوب قرار گرفتند. اما مهمترین و عبرت‌آموزترین نکته این مسأله است که رونق نامتوازن در همه بخش‌ها، زمینه را برای یک دوره رکود فراهم می‌کند و به عبارت بهتر، وضعیت برعکس می‌شود. همانند پیامدهای رونق اقتصادی، این رکود نیز به دنبال خود عدم تعادل را به همراه خواهد داشت. چرخه مالی نیز فرآیندی مشابه چرخه واقعی اقتصاد را تجربه می‌کند (موسوی، ۱۳۸۵).

۳- تأثیر بحران بر عملکرد بانک‌ها^۱

مشاهده عملکرد بانک‌های نمونه در سال‌های نزدیک به بحران نشان می‌دهد که بانک‌ها در خصوص تمامی شاخص‌های مالی منتخب، دچار افت عملکرد چشمگیری گردیده‌اند. به عنوان نمونه، سود قبل از مالیات که از ساده‌ترین نمایشگرها و شاخص‌های اولیه عملکرد هر بانکی است، در بانک‌های مورد بررسی با ضعف شایانی مواجه گشته است.

این امر برای هیچ یک از ذی‌نفعان نهاد مالی، به ویژه سهام‌داران خوشایند نبوده و اولین انگیزه

۱۱- در این بخش تمامی شاخص‌های ارایه شده در جداول (۱) تا (۴) از طریق ارقام خام صورت‌های مالی بانک‌های مذکور و توسط نویسندگان مقاله محاسبه گردیده است.

فروش سهام بانک‌ها توسط سهامداران این بانک‌ها بود. این مسأله ابتدایی‌ترین عامل گسترش بحران تلقی می‌گردد. در خصوص رشد حجم ترازنامه که معرف توسعه عملکرد هر واحد تجاری است، وضعیت اضطراری بحران جهانی، بانک‌ها را از مسیر عادی منحرف نموده و در شیب نزولی به سمت صفر یا منفی شدن رشد قرار داده است. به این ترتیب عدم ثبات فعالیت بانک‌ها به وقوع پیوست و عدم اعتماد مشتریان که همواره نظاره‌گر امنیت و بازده سرمایه‌گذاری و سپرده‌هایشان هستند، شکل گرفت.

منفی شدن و کاهش بیش از ۵۰ درصدی شاخص رشد درآمد عملیاتی از دیگر نتایج شیوع بحران و حرکت بانک‌های مورد بررسی به سمت ورشکستگی است. در صورت‌های مالی بانک‌ها یکی از دلایل این کاهش درآمد، کاهش درآمد کارمزدی خدمات مالی مرتبط با تخصیص اعتبار عنوان گردیده است. در ادامه عملکرد منفی شاخص‌های قبلی از یک طرف سبب کاهش جذب سپرده و از طرف دیگر سبب افت عملکرد اعطای وام گردیده است و بدین ترتیب با اختلال در مدیریت منابع و مصارف بانک‌ها، نسبت تسهیلات به سپرده را نیز با روند نزولی مواجه نموده است.

جدول (۱): شاخص‌های بانک آلیانس و لیستر^۱ انگلیس

سال	سود قبل از مالیات (میلیون پوند)	رشد حجم ترازنامه	رشد درآمد عملیاتی	رشد تسهیلات	رشد سپرده	تسهیلات به سپرده
۲۰۰۵	۵۴۷	٪۱۸	٪۱	٪۲۰	٪۱۱	۱/۲۹
۲۰۰۶	۵۶۹	٪۱۶	٪۶	٪۱۶	٪۱۶	۱/۲۹
۲۰۰۷	۳۹۹	٪۱۵	٪-۳	٪۱۴	٪۳۱	۱/۱۲
۲۰۰۸	-۱۲۸۸	٪-۵	٪-۴۲	٪-۹	٪۶	۱/۰۳

جدول (۲): شاخص های بانک روسکیلد^۱ دانمارک

سال	سود قبل از مالیات (میلیون کرون دانمارک)	رشد حجم ترازنامه	رشد درآمد عملیاتی	رشد تسهیلات	رشد سپرده	تسهیلات به سپرده
۲۰۰۵	۵۹۲	٪۴۸	٪۶۵	٪۵۴	٪۵۰	۱/۵۹
۲۰۰۶	۶۹۴	٪۶۱	٪۶۰	٪۵۹	٪۳۱	۱/۹۲
۲۰۰۷	۳۱۶	٪۴۰	٪۳۰	٪۳۷	٪۴۱	۱/۸۷
نیمه ۲۰۰۸	-۵۱۷	۰	-٪۴	۰	۰	۰

جدول (۳): شاخص های بانک آنگلو آیریش^۲ ایرلند

سال	سود قبل از مالیات (میلیون یورو)	رشد حجم ترازنامه	رشد درآمد عملیاتی	رشد تسهیلات	رشد سپرده	تسهیلات به سپرده
۲۰۰۶	۸۵۰	٪۵۱	٪۲۸	٪۵۴	٪۴۶	۱/۳۰
۲۰۰۷	۱۲۴۳	٪۳۲	٪۴۲	٪۲۷	٪۲۸	۱/۲۹
۲۰۰۸	۷۸۴	٪۵	٪۱۲	٪۱۰	٪۱۹	۱/۲۰

تحلیل جداول شاخص ها نشان می دهد:

- سود قبل از مالیات در دو بانک آلیانس و رسکیلد طی سال های ۲۰۰۵ تا ۲۰۰۸ کاملاً نزولی و در بانک آنگلو آیریش در سال ۲۰۰۸ نسبت به سال ۲۰۰۶ میلادی، روندی نزولی دارد.

۱- Roskild

۲- Anglo-Irish

- در هر سه بانک، رشد حجم ترازنامه طی سال‌های ۲۰۰۵ تا ۲۰۰۸ میلادی از روند کاهشی چشمگیری برخوردار است.
- تقریباً در هر سه بانک رشد در آمد عملیاتی طی سال‌های ۲۰۰۵ تا ۲۰۰۸ میلادی نزولی است.
- تقریباً در هر سه بانک رشد تسهیلات طی سال‌های ۲۰۰۵ تا ۲۰۰۸ میلادی نزولی است.
- در بانک‌های روسکیلد و آنگلو آیریش، رشد سپرده طی سال‌های ۲۰۰۵ تا ۲۰۰۸ میلادی نزولی است و در بانک آلیانس در سال آخر نزولی است.
- طی سال‌های ۲۰۰۵ تا ۲۰۰۸ میلادی تمامی بانک‌ها نسبت تسهیلات به سپرده خود را کاهش داده‌اند.

بروز بحران و ضعف عملکرد بانک‌های مذکور سبب گردید که بانک‌های آلیانس و لیستر، روسکیلد و آنگلو آیریش به ترتیب در تاریخ‌های ۲۰۰۸/۷/۱۴، ۲۰۰۸/۸/۲۶ و ۲۰۰۹/۱/۱۵ ورشکستگی خود را اعلام نمایند.

بطور کلی نظام بانکی با ریسکی تحت عنوان ریسک سیستمی^۱ مواجه می‌باشد، به این ترتیب ورشکستگی یک (یا چند) بانک، به علت خدشه وارد کردن بر اعتماد عمومی و همچنین ارتباط مالی مستمر بانک‌ها با یکدیگر، می‌تواند به سرعت به سایر بانک‌ها سرایت نماید^۲ و کل نظام بانکی را با بحران مواجه نماید. در مواردی نیز (مشابه مورد اخیر)، مشکل از مرزهای کشوری عبور کرده و مناطق مختلف جهان را درگیر می‌نماید (شاهرخی، ۱۳۸۵).

پس از تحلیل نحوه شکل‌گیری بحران و به منظور بررسی دقیق‌تر، به موضوع مطالبات معوق و هزینه ناشی از آن به عنوان یکی از مهمترین عوامل مؤثر بر کاهش سود و ورشکستگی بانک‌ها در بحران مالی پرداخته خواهد شد.

۱-۳- تأثیر مطالبات معوق بر سود بانک‌های ورشکسته

در صورت‌های مالی بانک‌های مورد بررسی، وسعت عوامل مؤثر بر متغیرهایی که وضعیت کلی

۱- Systemic Risk

۲- Contagion Effect

بانک‌ها را نشان می‌دهند، بسیار بوده و بحث در خصوص هر یک می‌تواند در قالب تحقیقی مجزا صورت گیرد. اما تجارب جهانی نشان داده است که پیدایش مطالبات معوق و استمرار آن به عنوان یکی از حساس‌ترین و حیاتی‌ترین عوامل ورشکستگی بانک‌ها به شمار می‌رود.

مطالبات معوق موجب کاهش حجم دارایی‌ها (سرمایه‌گذاری‌های اعتباری) بنگاه شده، جریان وصول‌های بنگاه و نیز صورت جریان وجوه و همچنین بودجه سالانه و اهداف نهاد پولی را دچار تغییرات نابسامانی و انحراف می‌نماید.

از طرف دیگر پیدایش مطالبات معوق در دارایی‌های شرکت‌ها (بدهکاران / تسهیلات اعطایی) از ریشه‌های عدم ثبات عملکرد یک مؤسسه مالی است. این امر در صورت استمرار، اصل تداوم فعالیت نهاد پولی و اعتباری را متزلزل و منجر به ورشکستگی آن خواهد گردید.

در تمامی صورت‌های مالی - درآمدی بانک‌ها، جهت محاسبه سود عملیاتی، هزینه عملیاتی از درآمد کسر می‌گردد و سپس مواردی چون سایر هزینه‌ها نیز از عدد حاصل کسر می‌شود. اما از آنجا که در پایان دوره مالی معلوم نیست تمام مطالبات آینده وصول خواهد شد، لازم است که برآوردی از این گونه مطالبات مشکوک‌الوصول بعمل آید. این امر مستلزم ایجاد ذخیره‌ای تحت عنوان هزینه مطالبات مشکوک‌الوصول در صورت هزینه درآمد بانک‌ها است. این مسأله منجر به کاهش درآمدهای عملیاتی و سود خواهد شد و البته حساب‌های واحد تجاری بر مبنای آن اصلاح و تکمیل می‌گردد.

بنابراین متغیر دیگری که برای رسیدن به سود قبل از مالیات باید در صورت‌های درآمدی به هزینه‌ها اضافه یا از درآمدها کسر گردد، هزینه یا ذخیره مطالبات مشکوک‌الوصول است که با علامت منفی پس از سرفصل هزینه، جهت محاسبه سود عملیاتی ظاهر می‌گردد و با توجه به محاسبه آن بر اساس درصد متفاوتی از انواع مطالبات معوق، با میزان این مطالبات ارتباط مستقیم دارد.

به منظور ارایه تصویر واضحی از نحوه عملکرد این نوع مطالبات معوق بر ترازنامه و سود بانک‌های مورد بررسی، دو شاخص رشد هزینه و نسبت هزینه به درآمد با و بدون در نظر گرفتن این نوع هزینه تحمیلی ناشی از بحران، محاسبه گردیدند.

جدول (۴): میزان رشد هزینه و نسبت هزینه به درآمد با و بدون هزینه مطالبات مشکوک‌الوصول^۱

سال	بانک آلیانس و لیسنر				بانک روسکیلد				بانک آنگلو آیریش			
	رشد هزینه عملیاتی		هزینه/درآمد		رشد هزینه عملیاتی		هزینه/درآمد		رشد هزینه عملیاتی		هزینه/درآمد	
	بدون	با	بدون	با	بدون	با	بدون	با	بدون	با	بدون	با
۲۰۰۵	-۳٪	۰/۸٪	۵۵٪	۶۱٪	۲۰٪	-۶٪	۵۱٪	۴۵٪	-	-	-	-
۲۰۰۶	۵٪	۸٪	۵۴٪	۶۱٪	۲۵٪	۳۷٪	۴۵٪	۴۴٪	۲۴٪	۳۴٪	۲۷٪	۳۰٪
۲۰۰۷	-۳٪	۱۳٪	۵۴٪	۷۲٪	۱۵٪	۸۰٪	۴۲٪	۶۴٪	۲۰٪	۳۸٪	۲۲٪	۳۱٪
۲۰۰۸	۳۴٪	۱۰۶٪	۱۲۶٪	۲۵۶٪	۹٪	۸۷۴٪	۴۵٪	۶۱۲٪	۱۲٪	۸۹٪	۱۶٪	۵۲٪

همانطور که در جدول (۴) مشاهده می‌شود، با محاسبه این دو شاخص بطور مجزا درمی‌یابیم میزان آنها با و بدون در نظر گرفتن هزینه مطالبات مشکوک‌الوصول شکاف قابل توجهی دارند. بنابراین هر گونه رشد درآمدی بانک‌ها جهت پوشش این نوع هزینه‌ها کافی نبوده است و تشکیل حساب منفی برای این نوع مطالبات در نهایت تضعیف‌کننده سود نهایی و ورشکستگی بانک‌ها گشته است. با توجه به تمرکز بیشتر بر روی مطالبات معوق، ارایه مقادیر مطلق هزینه مطالبات مشکوک‌الوصول به درک نحوه تأثیرگذاری آن کمک می‌نماید. بنابراین در جدول ذیل میزان هزینه مطالبات مشکوک‌الوصول در بانک‌های مورد بررسی با نزدیک شدن به سال بحران و پس از آن ارایه می‌گردد.

جدول (۵): میزان هزینه مطالبات مشکوک‌الوصول به تفکیک بانک طی سال‌های ۲۰۰۵-۸

سال	روسکیلد (میلیون کرون دانمارک)	آلیانس و لیسنر (میلیون پوند)	آنگلو آیریش (میلیون یورو)
۲۰۰۵	-۴۴	۷۴	۳۰
۲۰۰۶	-۱۷	۱۰۵	۶۶
۲۰۰۷	۲۶۶	۲۵۳	۱۴۹
۲۰۰۸	۳۵۷۸ نیمه سال	۱۰۳۳	۸۷۹

منبع: (عزت‌تی، ۱۳۸۸)

۱- ارقام جداول از صورت‌های مالی بانک‌های مذکور استخراج گردیده است.

همانطور که جدول (۵) نیز نشان می‌دهد تمامی مباحث گفته شده در تشکیل حباب قیمت مسکن که منجر به افزایش وام‌دهی در این بخش گردیده بود و سایر موارد از قبیل عدم تمایل مشتریان به تسویه وام و کاهش ارزش مسکن یا وثایق به کمتر از ارزش وام، سبب افزایش مطالبات معوق و هزینه ناشی از آن گردیدند.

اما مهم‌ترین سیاست‌های افزایش اعتبار در بخش مسکن که سبب بروز و افزایش هزینه مطالبات مذکور گردیدند، عبارتند از:

- کاهش کف ریسک اعتباری متقاضیان وام مسکن؛
- کاهش سهم آورده مشتری به ۱۰ درصد و حتی کمتر؛
- عدم درخواست وثیقه مازاد بر ملک به همراه کاهش محدودیت در سقف تسهیلات اعطایی؛
- تقسیط پلکانی وام با هدف عدم فشار به مشتری (عزتی، ۱۳۸۸).

همچنین سیاست‌های فوق، سبب گردید بازار وام به افراد کم‌اعتبار هم رونق فراوانی یابد. این نکته نیز قابل تأمل می‌باشد که هر چه اعتبار مشتری کمتر باشد، نرخ بهره دریافتی بیشتر است و وقتی نرخ بهره افزایش یابد، احتمال بازپرداخت اقساط وام کاهش می‌یابد و احتمال مصادره خانه به وسیله بانک نیز افزایش می‌یابد.

برخی شواهد دال بر این است که بیش از ده میلیون و حتی تا ۱۵ میلیون از این وام‌ها با نکول مواجه شدند. عوامل یاد شده میزان شوک وارد شده به ارزش این نوع مطالبات در سال‌های اخیر و به خصوص سال ۲۰۰۸ میلادی را همانطور که در جدول نشان داده شده، افزایش داد به نحوی که در بانک رسک‌یلد که مطالبات مشکوک‌الوصول در سال‌های ۲۰۰۵ تا ۲۰۰۶ با موفقیت و وصول مواجه گردیدند (علامت منفی هزینه مطالبات مشکوک‌الوصول)، ناگهان در نیمه اول سال ۲۰۰۸ میلادی به بیش از ۳۰۰۰ میلیون کرون دانمارک بالغ گردیدند. افزایش هزینه مطالبات مشکوک‌الوصول در بانک آلیانس و لیسنستر به بیش از ۱۰ برابر و در بانک آنگلو آیریش به بیش از ۲۰ برابر حاصل سیاست‌های ذکر شده ناظر بر بروز بحران و خود عامل تسری بحران بود.

۴- تأثیر بحران مالی اخیر بر صنایع مالی اسلامی و ایران

بررسی‌ها نشان می‌دهد که هر چند کشورهای در حال توسعه و توسعه‌نیافته در مجموع به شدت کشورهای توسعه‌یافته از بحران موجود زیان ندیده‌اند، اما آسیب‌پذیری آن‌ها در آینده بیشتر خواهد بود. شدت آسیب‌پذیری این کشورها بستگی به شرایط اقتصادی و قدرت پاسخگویی و انعطاف‌پذیری آن‌ها خواهد داشت (مشیری، ۱۳۸۸).

بحران مالی و اقتصادی اخیر از طریق رکود بازار جهانی بر اقتصاد سایر کشورها تأثیر گذارده است. این تأثیر از طریق مواردی چون کاهش تقاضای محصولاتی مانند نفت در کشور ما نیز مشهود است. از طرفی در بورس کشورهای اسلامی نیز شرایط رکود برخی شاخص‌های بخشی را کاهش داده و در نهایت بر شاخص کل نیز تأثیر منفی گذارده است. این وضعیت به طور مثال در کشور ما حین کاهش قیمت جهانی فولاد و تأثیر منفی آن بر شاخص کل در سال ۱۳۸۸ مشاهده گردید.

اگر چه رقم دقیق تأثیر بحران مالی اخیر بر اقتصاد کشورهای اسلامی در دسترس نیست، اما تولید صنعتی جهانی در فصل آخر سال ۲۰۰۸ میلادی به میزان ۲۰ درصد کاهش داشت که در طی نیم قرن اخیر بی‌سابقه بوده است. سهم کشورهای توسعه‌یافته از این کاهش چشمگیر، ۲۳ درصد و کشورهای در حال توسعه، ۱۵ درصد بوده است (مشیری، ۱۳۸۸).

از طرف دیگر تأثیر بحران مالی اخیر بر صنایع مالی کشورهای اسلامی به جز تأثیر غیرمستقیم یاد شده، تأثیر مستقیم شایانی نداشته است. براساس اعلام اتاق مالی کویت، بانکداری اسلامی توانسته است از سقوط در بحران مالی جهان مصون بماند که دلایل آن عبارتند از:

۱. قواعدی که مؤسسات بزرگ و اصلی را از مبادلات با ریسک بالا منع می‌کند؛
۲. تأکیدی که بانکداری اسلامی بر سرمایه‌گذاری خصوصی و سرمایه‌گذاری بر املاک دارد؛
۳. بانکداری اسلامی ربا و بهره را نفی کرده است، زیرا آن را به صورت نوعی شرط‌بندی در نظر گرفته و در نتیجه ابزارهای بفرنج مانند اشتقاقات و سایر حسابداری‌های خلق شده، مردود هستند.
۴. بانکداری اسلامی سرمایه‌گذاری بر روی کمپانی‌هایی که اهرم سنگین اقتصادی و سرمایه‌گذاری بر روی بازار قرض‌دهی را ممنوع کرده است. در حالیکه این دو، مناطقی بودند که بزرگترین تأثیر منفی را بر سرمایه‌گذاری و بازار اقتصاد جهانی

داشتند (خدادادی، ۱۳۸۷).

گرچه کشور ما نیز در بحران مالی اخیر به دلیل کوچک بودن و تا حدی بسته بودن سیستم مالی و وجود تعامل کمتر با اقتصاد جهانی، از رکود جهانی تأثیرات آنی نپذیرفته است، لیکن همانطور که ذکر شد کاهش قیمت نفت از طریق کاهش درآمدهای ارزی دولت و احتمال ایجاد کسری بودجه دولت و تأثیرات با وقفه از طریق سایر متغیرهای اقتصادی، تأثیرات زیانبار خود را بر اقتصاد کشور خواهد گذارد. به کارگیری ابزارها و بهره‌مندی از سیاست‌های مناسب برای جلوگیری از گسترش و توسعه افسارگسیخته بحران مالی به بخش‌های مختلف اقتصاد کلان مانند به کارگیری انضباط مالی و پولی مناسب از طریق دریافت تضمین‌ها و وثایق کافی و مناسب و نظارت‌های لازم در اعطای تسهیلات، مناسب نمودن فضای کسب و کار و افزایش ظرفیت‌های سرمایه‌گذاری از طریق تسهیل فضای جذب سرمایه‌های خارجی با ورود بانک‌های خارجی به فضای مالی کشور، افزایش اطمینان و ایجاد فضای اعتماد سرمایه‌گذاران و سپرده‌گذاران از طریق ایجاد بیمه سپرده در بانک‌ها؛ از جمله موارد مدنظر در این راستا می‌باشند (نوری، مدنی‌اصفهانی و قادری، ۱۳۸۸).

در نهایت توجه به وضعیت فعلی و چالش برانگیز مطالبات معوق و مدیریت آن از توصیه‌های پیشنهادی با توجه به شرایط اقتصادی کشور است. این موضوع از آنجا حایز اهمیت است که حجم مطالبات معوق، به بیش از ۲۰ درصد کل تسهیلات برخی بانک‌ها رسیده است. طبق محاسبات انجام گرفته از صورت‌های مالی حسابرسی شده توسط نویسندگان، نسبت مطالبات معوق به کل تسهیلات بخش خصوصی در بانک تجارت از ۱۸ درصد در سال ۱۳۸۶ به ۲۲ درصد در سال ۱۳۸۷ رسیده است. در بانک ملت این نسبت ۲۵ درصد در سال ۱۳۸۶ و ۲۷ درصد در سال ۱۳۸۷ است. حتی در بانک خصوصی کارآفرین نیز این نسبت در سال ۱۳۸۷ معادل ۲۰ درصد بوده است.

در حالیکه وجود اعتبارات دستوری و تکلیفی، پایین بودن نرخ سود بانکی و رکود اقتصادی ناشی از واردات، قاچاق و اقتصاد زیرزمینی از مهمترین عوامل گسترش این نوع مطالبات در کشور ما می‌باشد. این امر طبیعتاً بانک‌های کشور را در معرض سهم قابل توجهی از مشکلات بانک‌های خارجی مورد بررسی قرار خواهد داد. چرا که مطالبات معوق بدون توجه به علت پیدایش آن (به دلیل بحران یا شرایط اقتصاد یک کشور) آثار تضعیف‌کننده مشابهی بر عملکرد

صنعت بانکداری خواهد داشت و چه بسا خود عامل پیدایش یا تسری نوعی بحران در سیستم بانکی کشور ما باشد.

۵- نتیجه‌گیری و پیشنهادات

مهمترین سیاست‌های مؤثر در بروز بحران جهانی اخیر که از ایالت متحده آمریکا آغاز گردید، دخالت در رویه نظام بازار آزاد و کاهش فوق‌العاده بی‌نظیر و دستوری نرخ بهره بود که سیاستی پرهزینه و بسیار کم‌منفعت عنوان گردید. از آنجایی که در آمریکا سرمایه‌پذیرترین بخش اقتصادی، بخش ساختمان و مسکن می‌باشد؛ هجوم ناگهانی سرمایه‌ها در این بخش سبب عدم ثبات این بخش گردید. این امر در ابتدا تقاضا را افزایش داد و در ادامه، فزونی عرضه بر تقاضا سبب کاهش قیمت مسکن و رکود در این بازار گردید. اما عدم توجه به پاسخ فزاینده با فاصله عرضه به تقاضا، از یک طرف و رونق بازار اعطای وام به افراد کم‌اعتبار، بدون نگرانی از کاهش قیمت وثیقه یا ملک آن‌ها از طرف دیگر، سبب بروز بحران در بخش مسکن آمریکا گردید. البته صدور ابزار مشتقه مترتب بر بازار مسکن و عدم محدودیت در انتشار آن‌ها و همچنین مبادله این ابزار در بورس‌های بین‌المللی، بحران را به سایر نقاط جهان گسترش داد.

بنابراین عدم توجه سیاست‌گذاران پولی و مالی آمریکا به رونق نامتوازن که عدم تعادل گسترده‌ای را در اقتصاد به وجود آورد، زمینه را برای یک دوره رکود فراهم نمود.

انحراف شدید عملکرد بانک‌ها از رویه عادی فعالیت‌شان از نتایج مشهود بحران مالی اخیر و عامل گسترش آن می‌باشد، به نحوی که در بسیاری از شاخص‌های عملکردی مهم بانک‌های مورد بررسی، ناکارآمدی و ضعف زیادی مشاهده می‌گردد. یکی از مهمترین این شاخص‌ها که ظهور و استمرار آن از علل اساسی ورشکستگی بانک‌های مذکور می‌باشد، مطالبات معوق است. این مسأله سبب گردید برخی شاخص‌ها نظیر هزینه مطالبات مشکوک‌الوصول به یکباره بیش از ده‌ها برابر گردد و جریان سوددهی بانک‌ها را مختل نماید.

اما مهمترین راهکارهای مقابله با بحران را می‌توان در بعد ملی و بین‌المللی در موارد زیر خلاصه نمود:

• راهکارها و سیاست‌های ملی

- ۱- توجه به توسعه همه‌جانبه بخش‌های اقتصادی و ارایه ابزارها و حمایت‌های تشویقی جهت سرمایه‌گذاری متعادل در تمامی بخش‌های اقتصادی؛

- ۲- توجه به پیش‌بینی هر نوع عواقب دخالت دولت در تنظیم بازار پولی و مالی و لحاظ نمودن ابزارهای مکمل مناسب جهت تعدیل اثرات دخالت دولت؛
- ۳- نظارت کارآمدتر بر مؤسسات و نهادهای مالی در خصوص کنترل‌های داخلی به منظور حفظ فاصله معقول میان بالاترین قیمت کل دارایی‌ها و بدهی‌های آن‌ها در بازار؛
- ۴- ایجاد سیستم هشداردهی زودهنگام که به مقامات ناظر امکان دهد پیش از بروز مشکل کمبود سرمایه، بر بانک‌ها نظارت دقیق و بی‌طرفانه داشته باشند؛
- ۵- مداخله و حمایت دولت‌ها در جهت استمهال بدهی وام و جلوگیری از ضبط سریع وثایق وام‌ها؛
- ۶- توجه به حضور دولت در حوزه‌هایی از سیستم مالی که بخش خصوصی قادر به ارائه خدمات نیست، مانند: تضمین سپرده‌های بانکی توسط دولت؛
- ۷- ملی کردن موقت بانک‌های ورشکسته و ارائه سایر تضمین‌های جامع و جبران خسارت‌ها؛
- ۸- کاهش ریسک‌های کوتاه مدت توسط دولت با هدف حفظ استحکام مالی بانک‌ها در کوتاه مدت تا پس از سپری شدن ریسک کوتاه مدت بانک‌ها بتوانند خود به حل مشکلاتشان نظیر مطالبات معوق بپردازند؛
- ۹- توزیع ریسک دارایی‌های مشکل‌دار^۱ بانک‌ها در تبدیل آنها به اوراق بهادار متنوع و دارای جاذبه برای فروش، با کمک بانک مرکزی و دولت؛
- ۱۰- گسترش بازار ثانویه خرید و فروش دارایی‌های مشکل‌دار بانک‌ها با کمک بانک مرکزی و شرکت حل دعاوی و وصول مطالبات^۲ (عینعلی، ۱۳۸۷)؛
- ۱۱- بهبود روش‌های تشکیل حساب‌ها جهت واگذاری مطالبات معوق به سرمایه‌گذاران داخلی و خارجی؛
- ۱۲- ارزیابی صحیح کاهش ارزش اقتصادی مطالبات معوق جهت خروج سریع آن‌ها از ترازنامه؛

۱ - Troubled Assets

۲ - RCC or Resolution and Collection Corporation

- ۱۳- تزریق منابع دولتی با توجه به نیاز بانک‌ها به تجدید سرمایه در حین واگذاری مطالبات معوق و در موارد عدم امکان تأمین آن از بازار؛
- ۱۴- نوسازی شرکت‌ها و بنگاه‌ها با اعتقاد به وابستگی سود بانک‌ها به سود بنگاه‌ها.

• راهکارهای و سیاست‌های بین‌المللی

- این راهکارها می‌بایست با همکاری تمامی سازمان‌ها و مجامع جهانی به منصفه ظهور برسند.
- ۱- تأسیس یک سیستم هشداردهنده قوی بروز بحران به کمک صندوق بین‌المللی پول^۱، مجمع ثبات مالی^۲، بانک بین‌المللی حل و فصل^۳، به طوری که این سیستم به مثابه یک بانک مرکزی مستقل عمل نماید (عبادت، ۱۳۸۷) و با نظارت هدفمند بر اقتصاد جهانی و نیز توسل به ابزارهایی چون اطلاع‌رسانی و آموزش، شفافیت همه‌جانبه لازم را ایجاد نماید و پیش از بروز مشکل، بر بانک‌ها نظارت دقیق و بی‌طرفانه داشته باشند؛
- ۲- حمایت‌های صندوق بین‌المللی پول با اعطای وام‌های جدید که اولاً قابلیت تسویه زودهنگام داشته باشند و ثانیاً بازدهی ملموسی در برون‌رفت از بحران داشته باشند، این کمک‌ها می‌تواند در قالب ضمانتنامه‌ها و کمک اضطراری به بانک‌های بحران‌زده، اختصاص یابد؛
- ۳- تأسیس صندوق مقابله با بحران منطقه‌ای با مقرراتی که مناسب کشورهای عضو همان منطقه باشد؛
- ۴- تأسیس و تقویت شرکت‌های بیمه منطقه‌ای با هدف حداقل‌سازی زیان‌های وارده پس از بحران؛
- ۵- تأسیس و تقویت سرمایه‌گذاری مشترک منطقه‌ای با هدف مقابله با رکود پس از بحران.
- در نهایت، تجارب گذشته نشان می‌دهد یکی از اساسی‌ترین راهکارهای مقابله و عدم گسترش بحران در کشورهای اسلامی و ایران به ویژه در حیطه صنعت بانکداری، توجه به موارد ذیل می‌باشد:

۱ - IMF

۲ - Financial Stability Forum

۳ - Bank for International Settlements

اولین مسأله توجه به مداخله و هدایت دولت در ارایه طرح‌هایی نظیر تزریق منابع دولتی و تضمین‌های جامع، هنگام بروز هر نوع بحران احتمالی و غیر قابل پیش‌بینی است. این مداخلات عواملی را که بر بستر فعالیت بانک‌ها و سایر مؤسسات مالی تأثیر می‌گذارند، به بازگشت به رویه عادی‌شان هدایت می‌کند. البته تزریق‌ها نباید در انگیزه رقابتی بانک‌ها اختلال ایجاد کند. همچنین نباید مؤسسات را تشویق به پذیرفتن ریسک بیش از حد در زمان رونق بازار و اطمینان از حمایت دولت در زمان رکود نماید.

از طرف دیگر اجرای سیاست‌های مقابله با گسترش بحران مالی به بخش‌های مختلف حایز اهمیت است. سیاست‌هایی نظیر مناسب نمودن فضای کسب و کار، جذب سرمایه‌های خارجی، رعایت انضباط و نظارت کارآمد بر اعطای تسهیلات، اخذ وثیقه کافی، اجرای مدیریت ریسک مطابق با استانداردهای بین‌المللی و ایجاد بیمه سپرده در بانک‌ها، از موارد مهم پیشنهادی با هدف عدم تکرار و گسترش بحران مالی و بانکی در کشور است.

در خصوص مطالبات معوق دولت برای بدهی‌های خود به بانک تضمین‌نامه‌هایی را ارائه کرده و بانک مرکزی نیز برای وصول آن لایحه‌ای را طراحی و به مجلس ارائه کرده است. اما توجه به موارد ذیل نیز به عنوان سایر راهکارها، پیشنهاد می‌گردد:

- ۱- خصوصی‌سازی بانک‌ها باید همگام با اقداماتی از قبیل حذف تسهیلات تکلیفی و آزادسازی نرخ‌های سود بانکی باشد؛
- ۲- وصول هرچه سریع‌تر مطالبات سررسید گذشته تا علاوه بر اقدام سریع برای وصول آن، سود کاذب نیز به خزانه (ترازنامه) واریز نگردد؛
- ۳- تأکید بر تکمیل بانک جامع اعتباری مشتریان سیستم بانکی به عنوان سیاست پیشگیری؛
- ۴- تسریع در تأسیس شرکت‌های وصول مطالبات معوق بانک‌ها در ایران؛
- ۵- توجه به ناکارآمدی قانون عدم الزام سپردن وثیقه ملکی و نیز نرخ پایین تسهیلات و فاصله آن با نرخ تورم که انگیزه بازپس ندادن منابع بانک‌ها را افزایش می‌دهد و غالباً این افراد در مورد جریمه تأخیر نیز مورد بخشودگی قرار می‌گیرند؛
- ۶- توجه به این امر که مطالبات بانک از دولت به عنوان مطالبات معوق و مشکوک‌الوصول منظور نمی‌گردد و این امر به احتساب سود بیش از میزان واقعی بانک‌ها در صورت مالی منجر می‌گردد. چرا که بدون اینکه سود این مطالبات وصول

گردد، در ترازنامه بانک‌ها منظور و تصویب می‌گردد.

منابع

- بانک توسعه اسلامی (۱۳۸۷)، «بحران مالی غرب از دیدگاه بانک توسعه اسلامی»، **مجموعه مقالات همایش بحران جهانی؛ فرصت‌ها و چالش‌ها**، ترجمه: اکبر خدادادی، اتاق بازرگانی و صنایع معدنی ایران.
- براون، گوردون (۱۳۸۷)، **راه حل‌های حل مشکل سیستم مالی جهانی**، ترجمه: علیرضا عبادتی.
- یوریو، کلادیو و لاو، فیلیپ (۱۳۸۵)، «ارزیابی ریسک بحران‌های بانکی»، **ماهنامه بانک و اقتصاد**، ترجمه: سایه موسوی، شماره ۷۱.
- پیریایی، خسرو (۱۳۸۸)، «استقلال بانک مرکزی و بی‌ثباتی مالی»، **مجموعه مقالات نوزدهمین کنفرانس سیاست‌های پولی و ارزی**، پژوهشکده پولی و بانکی، بانک مرکزی ج.ا.ا.
- ساتو، تاکانومی (۱۳۸۷)، **بحران مالی جهانی و تجربه ژاپن در دهه ۱۹۹۰**، ترجمه: سودابه عینعلی، سازمان بورس و اوراق بهادار تهران.
- شاهرخی، غلامرضا (۱۳۸۵)، «بحران‌های بانکی»، **ماهنامه بانک و اقتصاد**، شماره ۷۱.
- شفیع زاده، احمد و دیواند، هادی (۱۳۸۸)، «سیاست مطلوب نرخ بهره در مقابله با بحران‌های مالی با تأکید بر نقش نظارتی بانک مرکزی در ثبات سیستم مالی»، **مجموعه مقالات نوزدهمین کنفرانس سیاست‌های پولی و ارزی**، پژوهشکده پولی و بانکی، بانک مرکزی ج.ا.ا.
- دقیقی‌اصل، علی‌رضا و فهیمی‌فر، فاطمه و صیامی، ابراهیم (۱۳۸۸)، «بررسی علل بحران‌های مالی در جهان و راهکارهای برون‌رفت از آن‌ها (مطالعه موردی شرق آسیا)»، **مجموعه مقالات نوزدهمین کنفرانس سیاست‌های پولی و ارزی**، پژوهشکده پولی و بانکی، بانک مرکزی ج.ا.ا.
- طیبیان، محمد (۱۳۸۷)، **نقش مشتقات مالی و تأثیر کاهش اعتماد در شکل‌گیری بحران**، دانشگاه تهران، دانشکده مطالعات جهان.
- طیبی، کمیل و دیگران (۱۳۸۸)، «ریشه‌یابی بحران‌های مالی: آیا آزادسازی مالی ابزار مناسبی برای کنترل بحران‌ها بوده است؟»، **مجموعه مقالات نوزدهمین کنفرانس سیاست‌های پولی و ارزی**، پژوهشکده پولی و بانکی، بانک مرکزی ج.ا.ا.
- عزتی، مرتضی (۱۳۸۸)، **تحلیلی بر علت بروز بحران مالی غرب**، دانشگاه تربیت مدرس، پژوهشکده اقتصاد.
- فلاح شمس، میرفیض، ناصر پوراسد، علی‌رضا (۱۳۸۸)، «تبدیل به اوراق بهادار کردن ریسک: راهی برای کاهش اثرات بحران‌های مالی بر مؤسسات مالی»، **مجموعه مقالات نوزدهمین کنفرانس سیاست‌های پولی و ارزی**، پژوهشکده پولی و بانکی، بانک مرکزی ج.ا.ا.
- محسنی زنوزی، سید جمال‌الدین (۱۳۸۸)، بررسی سیاست‌های مناسب پولی برای تثبیت اقتصادی در ایران با تأکید بر قیمت دارایی‌ها، **مجموعه مقالات نوزدهمین کنفرانس سیاست‌های پولی و ارزی**، پژوهشکده پولی و بانکی، بانک مرکزی ج.ا.ا.
- مشیری، سعید (۱۳۸۸)، «آثار بحران مالی جهان بر کشورهای در حال توسعه و توسعه‌نیافته»، **مجموعه مقالات نوزدهمین کنفرانس سیاست‌های پولی و ارزی**، پژوهشکده پولی و بانکی، بانک مرکزی ج.ا.ا.
- مهدی زاده، سجاد (۱۳۸۸)، «الزام اجرای سیاست‌های پولی مبتنی بر بازار

در راستای ثبات اقتصادی، «مجموعه مقالات نوزدهمین کنفرانس سیاست‌های پولی و ارزی،

پژوهشکده پولی و بانکی، بانک مرکزی ج.ا.ا.

- نیلی، فرهاد، محمدی، محمدرضا (۱۳۸۸)، «درس‌های بحران مالی جهانی برای بانکداران مرکزی»، **مجموعه مقالات**

نوزدهمین کنفرانس سیاست‌های پولی و ارزی، پژوهشکده پولی و بانکی، بانک مرکزی ج.ا.ا.

- نوری، پیمان، مدنی اصفهانی، محبوبه، قادری، امید (۱۳۸۸)، بررسی نقش بانک‌ها در بحران‌های مالی، **مجموعه**

مقالات نوزدهمین کنفرانس سیاست‌های پولی و ارزی، پژوهشکده پولی و بانکی، بانک مرکزی ج.ا.ا.

- Bank of Japan(2002), *Japan's Non Performing Loan Problem*, Quarterly Bulletin, November.
- http://www.alliance-leicester-group.co.uk/html/investor/annual_report.asp
- <http://www.angloirishbank.com/About-Us/Reports>
- <https://www.roskildebank.dk/default.asp?mode=redirect&url=view.asp&ID=235>
- www.rdis.ir/CMPAnnouncements
- <http://www.seo.ir/portal.aspx>



پژوهشگاه علوم انسانی و مطالعات فرهنگی
پرتال جامع علوم انسانی